

شگردهای دستوری و بلاغی توصیف (تصاویر تشبیهی و استعاری) در قصاید امیری فیروز کوهی

فرزانه شاهرودی، حسین حاجی زاده*، ژیلای صراطی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

سال هفدهم، شماره دوم، خرداد ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۷، صص ۱۵۵-۱۳۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7341

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: توصیف نوعی از کنش زبانی است که در بسیاری از گفتمانها از جمله شعر میتواند حضور و بروز داشته باشد. شاخصه‌ها و ویژگیهای ظاهری توصیف این امکان را بخوبی فراهم می‌آورد که شاعر بتواند از گزاره‌های توصیفی بخوبی در شعر خویش بهره بگیرد. هدف اصلی این جستار نشان دادن انواع توصیف دستوری و بلاغی در قصاید امیری فیروز کوهی میباشد.

روش مطالعه: این جستار گزارشی است از یک تحلیل بنیادین، نظری و اسنادی بروش توصیفی - تحلیلی که بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. در این پژوهش کوشش شده تا شواهد و نمونه‌های کافی از قصاید امیری فیروز کوهی مورد استناد و تحلیل قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش: در قصاید امیری فیروز کوهی با انواع توصیف از شرایط جامعه محیط پیرامون، اوضاع اجتماعی، روحیات شاعر، توصیف دوستان و بستگان در کنار گزاره‌های توصیفی بلاغی و دستوری مواجه هستیم. شاعر از این گونه توصیفات نه تنها بمنظور تزئین کلام، بلکه در جهت هنری ساختن آن بهره گرفته است.

نتیجه‌گیری: امیری فیروز کوهی در میان انواع گزاره‌های توصیفی، توصیف امور انتزاعی چون غم، اندوه، درد و آلام بیماری، مرگ عزیزان، یادکرد دوستان و همراهان و فقدان آنها را بیشتر از وصف طبیعت مورد توجه قرار داده است. در میان امور توصیفی از نوع دستوری کاربرد انواع صفت، جمله‌های موصولی و قیده‌ها در مقام توصیف مورد توجه شاعر میباشد و از میان دو کارکرد بلاغی اصلی تشبیه و استعاره، توجه بیشتر شاعر به تشبیه مفضل، مؤکد، بلیغ و تشبیه محسوس به محسوس است. استعاره چندان شاخصه‌ی توصیفی حائز اهمیتی در قصاید شاعر نمیباشد.

تاریخ دریافت: ۰۱ تیر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۰۴ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۹ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۳ مهر ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

امیری فیروز کوهی، بلاغت توصیف، دستور، قصیده.

* نویسنده مسئول:

hajizade@iaushab.ac.ir

۴۲۴۲۵۳۱۱ (+۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Grammatical and rhetorical methods of description (simile and metaphorical images) in the poems of Amiri Firouzkohi

F. Shahroodi, H. Hajizadeh*, Zh. Sarati

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shabest branch, Islamic Azad University, Shabest, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 22 June 2023

Reviewed: 26 July 2023

Revised: 10 August 2023

Accepted: 25 September 2023

KEYWORDS

Amiri Firouzkohi, Rhetoric description order an ode.

*Corresponding Author

✉ hajizade@iaushab.ac.ir

☎ (+98 41) 42425311

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Description is a type of linguistic action that can be present and manifested in many discourses, including poetry. The external features and characteristics of the description provide the possibility that the poet can use the descriptive sentences well in his poem. The main goal of this essay is to show the types of grammatical and rhetorical descriptions in the poems of Amiri Firouzkohi.

METHODOLOGY: This essay is a report of a fundamental, theoretical and documentary analysis of a descriptive-analytical approach based on library studies. In this research, an effort has been made to cite and analyze sufficient evidence and examples of Amiri Firouzkohi's poems.

FINDINGS: In the poems of Amiri Firouzkohi, we are faced with various descriptions of the conditions of the surrounding society, social situation, poet's mood, description of friends and relatives, along with descriptive rhetorical and grammatical sentences. The poet has used such descriptions not only to decorate words, but also to make them artistic.

CONCLUSION: Among the types of descriptive statements, Amiri Firouzkohi has paid more attention to the description of abstract things such as grief, sorrow, pain and pain of illness, the death of loved ones, the memory of friends and companions and their loss, rather than the description of nature. Among descriptive matters of the grammatical type, the use of adjectives, relative clauses and adverbs in the position of description is of interest to the poet, and among the two main rhetorical functions of simile and metaphor, the poet pays more attention to detailed, emphatic, eloquent simile and tangible to tangible simile. Metaphor is not an important characteristic of the poet's poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7341](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7341)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 0	 6

مقدمه

توصیف^۱ روشی است که هنرمندان، اعم از شاعران و نویسندگان از آن جهت زیباتر کردن و پرداختن دقیقتر به اشیاء، افراد، محیط طبیعت یا صحنه‌ها بهره میگیرند و بکمک آن خوانندگان را با متن بیشتر و بهتر آشنا میکنند. ارزش و اهمیت فنّ توصیف در ادبیات بویژه تا بدان اندازه است که میتوان گفت چگونگی پرداختن به این مسأله و کم و کیف آن حتی میتواند ملاکی برای ارزشگذاری یک اثر ادبی بحساب آید. مهارت شاعر و هنرمند در بهره‌گیری از توصیف و شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون آن نه تنها میتواند سبب انتقال عواطف و احساسات درونی وی بخوانندگان باشد، بلکه مخاطب را بخوبی میتواند با فضای ذهنی گوینده آشنا سازد؛ وصف و یا توصیف در یک دیدگاه کلی، عنصری است که امکان ارائه تصویری بهتر و وسیعتری از جهان درون و بیرون هنرمند را فراهم می‌آورد. توصیف در شعر، بستری مناسب جهت ترسیم عمق عواطف و احساسات شاعر تلقی میشود که میتواند بلحاظ زیبایی‌شناختی نیز حائز اهمیت باشد؛ چرا که تصویر را میتوان جوهره اصلی توصیف دانست و متقابلاً توصیف نیز به گسترش جنبه‌های زیبایی‌شناختی تصویر کمک مینماید. بهمین سبب این دو از یکدیگر قابل تفکیک نمیشوند و در اغلب موارد در زیر ساخت هر تصویر بلاغی، توصیفی نهفته است گرچه توجه به جنبه‌های تصویرآفرینی توصیف در گذشته کمتر مورد توجه قرار میگرفت چرا که بنا بر دیدگاه شفيعی کدکنی، «در قدیم بیش از آنکه بتصویر و خیال بپردازند، بوزن و قافیه واژگان توجه داشتند اما واقعیت این است که که تصویر، عنصر ثابت شعر است» (۱۳۷۵: ص ۱۴). توصیف و تصویرسازی را میتوان از شگردهای برجسته و مهم زبان بشمار آورد که سبب تشخیص سبکی و تمایز کلام گویندگان از هم میشود.

بررسی علمی توصیف یا توصیف‌شناسی، سویی‌ای حائز اهمیت در مطالعات بلاغی بحساب می‌آید چرا که توجه به آن بعنوان عنصری کاربردی جهت تحلیل جنبه‌های بلاغی و بیانی یک اثر، ماهیت و ذات تصویر و جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن را بیشتر آشکار میسازد؛ از اینرو با وجود توصیفی بدون ذات زبان شعر، مجال پرداختن بتوصیف در یک روایت شعری میتواند حوصله و گنجایش متن را بالا ببرد و شاعر از کارکردهای ادبی توصیف در جهت افزایش جنبه‌های بلاغی اثر بهره بیشتری بجوید؛ از این رو با تفکیک میان مرز عناصر بلاغی و توصیف، میتوان بعملکرد آن بعنوان ابزاری کارآمد در سازه‌های خیال‌انگیز شعر بیشتر توجه کرد. توصیف را میتوان یکی از اجزای درونی عناصر تصویرساز در یک متن بویژه در شعر بشمار آورد. با نگاهی گذرا به انواع شعر میتوان دریافت که بسیاری از روایتهای شعری تنها به بیان اندیشه شاعر یا عواطف وی در قالب روایت و منطق روایی کلام نمیبپردازند، بلکه شعر توصیفی است از تمامی امور و پدیده‌های مورد نظر شاعر که در ساختارهای متفاوت پنهان، آشکار یا ضمنی به خیال‌انگیز ساختن چه بیشتر کلام کمک مینماید.

در میان متون ادبی، توصیف از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از جمله ملاکهای هنری بودن متون ادبی بحساب می‌آید ضمن اینکه نمیتوان به سادگی از این مسأله غافل شد که صرف «توصیف کردن» نمیتواند سبب خلق اثر هنری باشد شاعر یا هنرمند باید بگونه‌ای آن را مورد استفاده قرار دهد که جنبه‌های زیبایی‌شناختی آن متن را بالا برد و حس التذاذ هنری را در مخاطب بیشتر نماید؛ چرا که این لذت هنری بدنبال خود اقناع مخاطب را سبب میشود. «توصیف یا احتمالاً ما را مجبور میکند که واقعیت را نگاه کنیم؛ همان واقعیتی را که مدعی است در برابر نگاه ما میگردد و ادعا میکند که تنها واقعیت موجود است یا اینکه احتمالاً میخواهد چیزی بیشتر از این را

۱. Description

۲. Aesthetics

بما القا کند» برونوف، ۱۳۷۸: صص ۱۴۵ - ۱۴۶). از این رو توصیف بعنوان یک گزاره شناسا عمل میکند و تصویری از عاطفه و اندیشه شاعر ارائه میدهد. در این مقاله جایگاه توصیف در ارتباط با صورخیال در قصاید امیری فیروزکوهی بررسی میشود. امیری یکی از شاعران توانای معاصر است که شهرت او بیشتر مدیون غزلیات و قصاید استواری است که علاوه بر آنکه در سبک زبانی بشیوه قدما عمل نموده است، اما در آنها به مسائل پیرامون و جهان اطراف خویش نیز نظر داشته است. در این پژوهش سعی شده است تا نشان دهیم رابطه میان وصف و پرکاربردترین صورخیال یعنی تشبیه و استعاره در قصاید امیری فیروزکوهی چگونه است. پرسش اساسی و بنیادین پژوهش حاضر آن است که نقش و کارکرد وصف در تکوین جنبه‌های بلاغی قصاید امیری فیروزکوهی چیست و بیان توصیفی شاعر چه تأثیر و کارکردی در اشعار وی داشته است؟ در پاسخ به پرسشهای مطرح شده میتوان بیان کرد، وصف سبب گسترش درونمایه شعری امیری فیروزکوهی شده است و بیان وصفی در قصاید وی، نوعی سبب انتقال مضامین شعری بمخاطب گردیده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به خلاء پژوهشها و تحقیقات مستند و علمی در حوزه کارکرد بلاغی توصیف در قصاید امیری فیروزکوهی و نیز باتوجه به دامنه وسیع این شگرد و اشعار شاعر و فقدان پژوهش روشمند مبنی بر مبانی نظری علمی بصورت دقیق و باارائه مستندات آماری، انجام این پژوهش در حیطه قصاید امیری فیروزکوهی ضروری بنظر رسید. علاوه بر این با توجه به بررسیهای بعمل آمده چند پژوهش مختصر که پیرامون این شاعر و سبک شعری وی انجام گرفته است محدود بمواردی از قبیل توجه به ویژگیهای سبک هندی در غزلیات شاعر، زندگینامه و جنبه‌های رمانتیک اشعار وی میباشد و از توجه به عنصر توصیف بعنوان یکی از ارکان اصلی بلاغی - ادبی در سنت شعری بویژه در سبک امیری فیروزکوهی غافل مانده‌اند. با در نظر گرفتن این خلاء مطالعاتی، هدف جستار حاضر تحقیق و بررسی نقش بلاغی توصیف در قصاید امیری فیروزکوهی میباشد.

هدف پژوهش

برغم اهمیت و جایگاه توصیف در شعر، بویژه شعر کلاسیک در نقد ادبی چندان توجهی به این موضوع نشده است. مهمترین هدف این مقاله تعیین انواع جلوه‌های صورخیال بیانی در قصاید امیری فیروزکوهی و مشخص ساختن نقش این صورخیال و کارکرد بلاغی آن در جهت تقویت توصیف در اشعار یاد شده است.

روش پژوهش

این جستار مطالعه‌ای است بروش توصیفی - تحلیلی بر مبنای شیوه کتابخانه‌ای و سندکاوی. جهت بررسی در این پژوهش کاربرد دستوری و بلاغی تشبیه و استعاره در قصاید امیری فیروزکوهی مورد توجه قرار گرفته است. جامعه آماری منتخبی از قصاید شاعر میباشد که بشیوه تصادفی و سیستماتیک و از میان قوافی مختلف انتخاب شده است. بشیوه مرسوم و متداول در تحقیقات علمی در این جستار پس از بررسی مبانی نظری، بتحلیل شواهد کافی در حدّ وسعت و گنجایش مقاله از مجموعه قصاید امیری فیروزکوهی خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم نمود تا زمینه بهتر و کاملتر جهت شناخت مسأله اساسی پژوهش حاضر یعنی کارکرد دستوری و بلاغی توصیف با کمک صور خیال تشبیهی و استعاری در قصاید شاعر را فراهم نماییم.

پیشینه پژوهش

تحقیق و تفحص در خصوص شعر امیری فیروزکوهی چندان وسیع نیست و تقریباً میتوان اذعان داشت فصل مشترک بیشتر پژوهش‌های انجام شده در خصوص تأثیر صائب و سبک هندی بر طرز غزل وی است. یوسفی در کتاب «چشمه روشن»، آراین‌پور در کتاب «از نیما تا روزگار ما» زرقانی در کتاب «چشم‌انداز شعر معاصر ایران» در صفحاتی اندک به اندیشه و سبک شعری وی پرداخته‌اند. در خصوص تحقیق و بررسی پیرامون جنبه‌های توصیفی در دیوان امیری فیروزکوهی و نقش و رابطه توصیف و بلاغت در قصاید شاعر و تا زمان نگارش این جستار، پژوهش علمی منتشر نشده است؛ گرچه در خصوص سبک شعری امیری فیروزکوهی و مبانی زیبایی‌شناسی اشعار وی تا کنون چند مقاله علمی برشته تحریر درآمده است.

تقوی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «اقتباس صورت و معنا در سروده‌های امیری فیروزکوهی» دیوان امیری فیروزکوهی از جهت تأثیرپذیری از متون مختلف، مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده در این مقاله نتیجه گرفته است که برخلاف تصور رایج، امیری چندان از صائب تیریزی متأثر نیست، بلکه مضامین بسیاری از مضامین خود را از قرآن، احادیث و سبک فکری و زبانی شاعران معروف سده‌های پنجم تا یازدهم مانند خاقانی، مولانا و سعدی اقتباس نموده است.

مهدوی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «رمانتیسیم اتوبیوگرافیک شرح حالی در شعر امیری فیروزکوهی» نشان داده‌اند که جلوه‌هایی از مکتب رمانتیسیم از جمله طبیعت‌گرایی، پرداختن به عواطف و احساسات، نوستالژی، توجه به گذشته، میل به شعر و... در اشعار زندگی‌نامه‌ای شاعر، تصاویر رمانتیکی را خلق نموده است.

حاج جعفری و عقدايي (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «جمال‌شناسی شعر امیری فیروزکوهی» به بررسی غزلیات امیری از جنبه زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که امیری فیروزکوهی به پیروی از سبک هندی از تشبیه بعنوان ابزاری در جهت بیان اندیشه‌ها و عواطف شعری خود بهره گرفته است؛ در کنار تشبیه استفاده از کنایه و پارادوکس (متناقض‌نما) بجهت بیان مسائل اجتماعی و اغراض سیاسی بسامد بالاتری دارد.

کی‌منش (۱۳۸۰) در مقاله «امیری و جایگاه او در ادب معاصر» مختصری پیرامون سبک شعری و زندگی امیری فیروزکوهی را مورد توجه قرار داده و نتیجه گرفته است که با وجود شهرت امیری فیروزکوهی به تتبع در دیوان شعرای سبک هندی و علاقه به صائب، از ویژگی‌های سبک عراقی نیز بسیار بهره گرفته است.

از جمله کتب سودمند در زمینه شناخت ماهیت توصیف در ادبیات کتاب «کاربردهای توصیف در شعر»^۱ اثر «والتر برنهارت»^۲ میباشد. نویسنده در این کتاب عناصر توصیفی دخیل در زیبایی‌شناسی شعر کلاسیک اروپایی را با محوریت ادبیات انگلیسی مورد توجه قرار داده است. اما در خصوص کارکرد بلاغی توصیف در ادبیات فارسی نیز تاکنون جستارهای سودمند و برجسته‌ای منتشر شده است. صورتگر در کتاب ارزشمند خود با عنوان «ادبیات توصیفی ایران» بصورت کلی، به بیان انواع توصیف و نقش آن در شیوه‌های بیان پرداخته است. این کتاب یکی از پیشینه‌های ارزشمند در خصوص مطالعات توصیفی در ادبیات فارسی محسوب میشود. نویسنده در این کتاب بتغییر دیدگاه ادیبان، شاعران و نویسندگان نسبت به مسأله توصیف از گذشته تاکنون (ادبیات معاصر) توجه نموده است. وحدت در کتابی با عنوان «هنر وصف در شاهنامه» پیرامون مبانی توصیف و تحولات آن و نیز توجه به توصیف طبیعت در متون منظوم و منثور ادبی، مطالب ارزشمندی را ارائه داده است. نیز در مقالاتی بلاغت توصیف

۱. Functions of Description in poetry

۲. Bernhart

مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است: از جمله عقدایی (۱۳۹۴) در مقاله «بلاغت و صف در داستان سیاوش» که در آن نویسنده به انواع وصفهای عینی و ذهنی توجه نموده و با توجه به داستان سیاوش در شاهنامه انواع وصفها شامل صفتها، قیدها و افعال توصیفی را تحلیل نموده است.

ذوالفقاری و دهرامی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «نقد وصف و جایگاه زیبایی‌شناختی آن در شعر خاقانی» به جنبه‌های زیبایی‌شناسی توصیف طبیعت، شب، روز و... در شعر خاقانی پرداخته‌اند.

محمدی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تکنیکهای بیانی توصیف در اشعار نیما یوشیج» تصاویر بلاغی تشبیه، نماد، کنایه، استعاره را در اشعار نیما یوشیج در ارتباط با توصیف مورد بررسی قرار داده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

در شعر فارسی، علاوه بر آنکه شاعران بامضمون توجه داشته‌اند، از پرداختن به فرم و صورت نیز غافل نبوده‌اند و با آرایش کلام در توصیف صحنه‌های گوناگون، تابلویی خیال‌انگیز از واژه‌ها و کلمات را بتصویر کشیده‌اند تا پیش از آنکه خواننده در بند درونمایه و محتوای شعر شود، مسحور زیبایی خیال‌انگیز کلام گردد. شمیسا در خصوص خیال‌انگیزی کلام می‌گوید: «وقتی می‌گوییم کلام مختل است، مراد ما این است که آفرینندگان آثار ادبی در زبان [لفظ و معنی] نقادی میکنند و مطالعه انواع این نقاشیها که موضوع علم بیان است» (۱۳۷۰: ص ۱۸). با پژوهش در سبکها و ادوار گوناگون شعر فارسی در می‌یابیم که شعر فارسی سرشار از تصاویر دلنشین و زیبایی است که هر یک بمانند تابلویی خیال‌انگیز خواننده را بخود مجذوب میکند. قصاید امیری خراسانی بیش از هر چیز به سبک خراسانی بیش از دیگر سبکها نزدیک است و از این رو توصیف در کنار برجسته‌سازی تصاویر در اشعار او بوضوح دیده میشود. امیری، شاعری برونگراست و بیش از هر چیز، دقایق امور را بصورت عینی وصف کرده و با دنیای درون و احساسات و عواطف و هیجانات شاعری خویش گره زده است.

سبک شعری امیری فیروزکوهی

گرچه امیری در قالبهای گوناگون شعر سنتی فارسی طبع‌آزمایی نموده است، اما غزل و قصیده دو قالب اصلی و برجسته دیوان او را تشکیل میدهد. امیری در غزل بیشتر به سبک هندی گرایش داشت. مهدی اخوان ثالث او را از سرآمدان سبک هندی در دوران معاصر بویژه در غزلیات میدانند (۱۳۶۹: ص ۸۷). شفیعی کدکنی نیز او را در غزل شیفته صائب میدانند (۱۳۸۰: ص ۱۵۰).

توصیف و ماهیت آن

بنظر میرسد اصطلاح توصیف از برساخته‌های ایرانیان از واژه عربی «وصف» باشد. معادل‌هایی چون «گزارش» و «بازنمود» برای این واژه در فارسی وجود دارد. اما آنچه که مسلم است زیرساخت شگردهای بلاغی مانند استعاره و تشبیه، اساساً توصیف است. «ارتباط شاعر با شیء و جهان بیرون تابع حالات عاطفی و نوع نگرش اوست و در کل میتوان چهار نوع پیوند میان ذات شاعر و شیء برشمرد؛ وصف شیء، همدلی با شیء، یگانگی با شیء و حلول در شیء، ضعیف‌ترین پیوند میان ذات شاعر و شیء در حالت وصف است» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۸۶: ص ۶۹).

وصف در شعر، بستری مناسب برای ترسیم عواطف و احساسات شاعر تلقی میشود و از این رو در حدّ عنصری زیبایی‌شناختی حائز اهمیت میشود (همان: ص ۷۰). اهمیت و جایگاه توصیف تا بدانجاست که برخی معتقدند «در

ادبیات یک فنّ واحد بکار می‌رود و آن هم وصف است بهمین جهت ابن‌رشیق می‌گوید: «شعر بر آن است که بجز مواردی نادر بوصف برمیگردد؛ بنابراین میتوان همه‌ی اغراض شعری را در کلامی مختصر، وصف نامید. بسیاری از ناقدان بر این باورند که بهترین وصف آن است که وصف‌کننده بگونه‌ای موصوف را وصف کند که گویی شنونده آن را بچشم میبیند و آن به این ترتیب است که شاعر بیشترین معانی موصوف را به آشکارترین وجه طوری که احساس میکند بتصویر میکشد» (همان: ص ۷۱).

در خصوص ریشه‌شناسی لغوی توصیف میرصادقی می‌گوید که این واژه یعنی «Description» از ریشه‌ی یونانی «Descrere» بمعنی رونوشت آمده است (ر.ک میرصادقی، ۱۳۸۷: ص ۲۸۳). «توصیف واژه‌ای است برگرفته از ریشه‌ی عربی و ص در باب تفعیل که در فرهنگهای قدیم عربی، عربی بفراسی و فرهنگهای قدیم فارسی بفراسی و نیز در متون ادبی قبل از قرن هشتم وجود ندارد و از آنجا که این واژه در فرهنگهای فارسی نظیر آندراج و ناظم‌الاطبا راه یافته است، میتوان ادعا کرد که این واژه از بساختهای فارسی زبانان است» (رضوانیان و احمدی شیخ، ۱۳۹۶: ص ۲). در خصوص معادل فارسی توصیف، کلمه «گزارش» مدنظر قرار گرفته است.

توصیف نوعی از کنش زبانی است که در انواع گفتمانهای ادبی میتواند حضور داشته باشد. «ادبیات توصیفی را میتوان بازنمایی مصادیق عینی و ذهنی زبان دانست؛ مشروط به آنکه این بازنمایی در بستری از گفتمان ادبی انجام پذیرد. اهمیت و جایگاه توصیف سبب شده است فلاسفه‌ی زبانگرا مانند «راسل»، «ویتگنشتاین» و «هاسبرس» بخشی از آراء و اندیشه‌های خود را بتحلیل و بررسی موضوع توصیف اختصاص دهند ویتگنشتاین معتقد است «زبان فقط هنگامی معنا دارد که داده‌ها را برای ما بتصویر بکشد. این دیدگاه را که مدعی است هر جمله، عبارت از تصویری است، نظریه‌ی تصویری معنا میخوانند. هر گزاره‌ای، تصویری از واقعیت است، هر گزاره‌ای الگوی واقعیت است، آنگونه که ما فکر میکنیم» (بابایی، ۱۳۹۲: ص ۷۱۷). فتوحی رودمعجنی درباره‌ی وصف می‌گوید: «وصف تجربه یا شیء، فرایندی دیداری، تجزیه‌کننده و پر شتاب [است] که از ادراکی سطحی مایه میگیرد و توجه مخاطب را بجزئیات پیاپی در سطح شیء جلب میکند» (۱۳۸۴: ص ۳۲). با اندکی دقت در یک گفتمان ادبی درمی‌یابیم که توصیف مستقل از روایت است. «توصیف نوعی مکث و یا زمانی مرده در توالی حوادث است» (بصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۸۷). «توصیف و تصویرسازی از شگردهای مهم زبانی است که باعث تشخیص و تمایز کلام گویندگان از یکدیگر میشود. در زمینه اقسام و انواع توصیف، نظرگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی توصیف را بلحاظ محتوا و چگونگی به اقسامی دسته‌بندی مینمایند؛ یکی از انواع این توصیفات، توصیف فشرده است که [با کمک صنایع بلاغی] مانند انواع استعاره و تشبیه صورت میگیرد» (لاجوردی‌زاده و حصارکی، ۱۳۹۶: ص ۲۶).

«رویتر»^۱ در کتاب «درآمدی بر تحلیل رمان» ضمن توجه به وظایف و کارکردهای اصلی و مهم توصیف، منحصر ساختن توصیف به یک یا چند تکنیک محدود را جایز نمیشمارد و بیان میکند که این عنصر ممکن است در آن واحد و بصورت همزمان چند کارکرد داشته باشد (ر.ک هارلند، ۱۳۸۸: ص ۹۸). «توصیف را میتوان نوعی کنش زبانی دانست که در هر نوع گفتمانی اعم از تاریخی، ادبی، مردم‌شناسی به اشکال مختلف ظهور کند و یا در جهت تقویت کارکرد سایر عناصر بکار رود» (Haman, 1987: 23).

توصیف و سبک ادبی؛ یا بلاغت توصیف

سبک را میتوان «شیوه‌ی کاربرد زبان در یک بافت متن معین بوسیله‌ی شخص معین برای هدفی مشخص [بشمار آورد]» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۲: ص ۳۴). بارزترین و مشخص‌ترین وجه کاربردی زبان در ارتباط با متن توصیفی،

۱. Yves Reuter

میزان دشواری یا سادگی آن است. هر چه میزان استفاده از شگردهای بلاغی بیشتر باشد توصیف یا زیبایی‌شناسی توصیفی متن بیشتر است. کارکرد توصیف در این جا کارکردی شاعرانه است. منظور از کارکرد شاعرانه توصیف بهره‌گیری از عنصر خیال بواسطه شگردهای بلاغی جهت توصیف است کارکرد چنین توصیفی عبارت است از برانگیختن احساس و ایجاد تخیل، تصویر و گاه تزیین متن.

۱- برانگیختن عواطف ۲- ایجاد تخیل ۳- تزیین ۴- ستایش	}	کارکردهای شعری توصیف (ر.ک احمدی شیخ‌لر، ۱۳۹۹: ص ۲۴)
-------------------------------------------------------------	---	--------------------------------------------------------

ایجاد تخیل و تصویر عموماً با استفاده از شیوه‌ها و شگردهای بلاغی مانند تشبیه و استعاره ایجاد میشود «زیرا ژرف‌ساخت زبان مجازی، توصیف است» (همان).

بررسی و تحلیل نمونه‌ها

در توصیف اشخاص و پدیده‌ها

توصیف‌های ادبی، تنها با شناخت موضوع و محورهای توصیف قابل تحلیل نیستند چرا که وصفها علاوه بر آنکه بستر روایت را تشکیل میدهند، به متن، تشخص ادبی میبخشند. از این رو کارکردهای توصیف در یک متن ادبی برای طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی توصیف سودمند است. در ارتباط با شاعرانگی و یا شناخت وجه ادبی متن، کارکردها و ملاک تشخیص انواع توصیف از رهگذر صور بلاغی بسیار سودمند است چرا که تحلیل این موضوع بخوبی نشان میدهد که توصیف‌های شاعرانه در یک متن چگونه انجام گرفته است و از عناصر بلاغی و تصرف خیال چگونه استفاده هنرمندانه انجام میشود چرا که شعر با عنصر عاطفه و احساس سر و کار دارد و بجهت تأثیرگذاری بیشتر از عنصر خیال بکمک شگردهای بلاغی بهره میگیرد.

در توصیف حالات درونی

شصت سال عمر و شش روز خیال
 در حساب زنده بودن شصت سال
 (۹۶۹ / ۲)

کعبه مقام بت شد و زمزم سراب شد
 رو خاک خور که لقمه ز سنگ مذاب شد
 (۹۲۰ / ۲)

رفت بر من روز و شب تا شصت سال
 در شمار زندگانی شصت روز

یا رب چه شد که خانه طاعت خراب شد
 و ز مطبخ فلک لب نانی طمع مدار

در توصیف امور خانوادگی و ازدواج فرزندان

رایگان نقد جان فرستادم
 حله با کاروان فرستادم
 شادی خان و مان فرستادم

نقد جان رایگان فرستادم
 داشتم حله‌ای تنیده ز جان
 شادی خان و مان من او بود

از شکرخنده صبح را ماند صبح را ارمنان فرستادم
(۹۸۸ / ۲)

توصیف ضعف و ناراحتی جسمانی

رفت سی سال بیشتر که نرفت
آتش تب گداخت جان مرا
زخم دیرینه بر جگر دارم
نفسی جز به رنج و حرمانم
اینک این شعله‌های نیرانم
وین جگرخوارگی بود زانم
(۹۹۷-۹۹۸ / ۲)

در توصیف همسر شاعر «تاج‌الملوک»

ای همسر من ای زن علوی گهر من
تنها نه همین تاج ملوکی تو که از حُسن
عمر منی و جان و تن من بکف تو
ای زنده بجان و سر تو جان و سر من
هم تاج سر عشقی و هم تاج سر من
بخت منی و بسته بتو خیر و شر من
(۱۰۱۱ / ۲)

در وصف نکوهش دنیا

آه از این دنیا و بازیهای محنت‌زای او
سود وی خسران وی اقبال وی ادبار وی
صفحه تاریخ او آیینۀ فرجام او
ابله آن بازیخور خامی که دارد رای او
مهر او همسان او انصاف او همتای او
صحنۀ امروز ما روشنگر فردای او
(۱۰۴۲ / ۲)

توصیف حوادث و رخدادها

امیری در توصیف اوضاع و احوال نابسامان تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران قصایدی سروده است از جمله قصیده‌ای با عنوان «محنت» که در آن بتوصیف اوضاع کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرداخته است:

محنت از هر در درآمد فتنه از هر گوشه خاست
تیغ کین هر جا عیان بینی که آن تدبیر بود
هر کجا خلقی است در آزار و محنت حلقه‌ها
هر کران صلح و صفایی را روی در جنگ و ستیز
هر طرف شری عیان هر سوی آشوبی بیاست
جوی خون هرسو روان یابی که آن تقدیر راست
هر کرا خلقی است در طنبور وحشت نغمه‌هاست
هر طرف مهر وفا را کار با جور و جفاست
(۸۶۷ / ۲)

در خصوص زلزله‌ای که در سال ۱۳۴۱ جمع کثیری از مردم ایران را بکام مرگ کشید

دیدنی آن شب را که شد در طرفه‌العینی یله
مرد و زن در خواب و چشم فتنه بیدار از کمین
در دمی معدوم شد صد دیه آباد آنچنانک
جان و مال خان و مان مردمی از زلزله
طیر و وحش آرام و اندام زمین در هروله
پخش شد هر ذره از خاکش بچندین مرحله
(۱۰۵۹ / ۲)

در توصیف رخدادهای تاریخی «عملیات فتح‌الفتوح» در سال ۱۳۶۱ در جنگ ایران و عراق

ای وطن ای خاک پایت توتیای چشم ما
ضربه تیغ شما زد صدمه‌ای صدام را
توتیای چشم ما در پرده از اغیار باد
کز نشانش تا ابد صدامیان را عار باد

گرچه صد دام از جنایت بهر ما گسترده بود خود بدام افتاد و دامش گوری از هر تار باد

توصیف مفهومی انتزاعی میباشد که بطور مداوم میتوان آن را «گزارش» و «بازنمود» یک واقعه، رخداد، حالات و عواطف گوناگون نامید. رولان بارت پیرامون کارکرد و ارزش غایی و نهایی توصیف در متن اعم از متن ادبی و... معتقد است که کارکرد توصیف در یک متن، کارکردی غیرمستقیم است که در نهایت به فضا سازی منتهی میشود. توصیف گزاره‌ای است که به بازنمود افراد، مکانها، زمانها، اشخاص و مفاهیم میپردازد و زنجیره روایت را متوقف میکند و از آنجا که در توصیف کنشی اتفاق نمیدهد، کارکرد غیرمستقیمی در متن بر عهده دارد (ر.ک فتوحی رودمجنی، ۱۳۸۴: ص ۳۲). گاه توصیف، وجود مستقلی ندارد و در خدمت روایت قرار دارد و گاه توصیف جزئی از ذات متن است مانند آنچه که در یک قطعه ادبی مورد توجه سراینده آن قرار میگیرد. از این رو توصیف را میتوان گزاره‌ای دانست که به بازنمود ویژگیهای متن میپردازد. موضوعات توصیف در قصاید امیری فیروزکوهی موضوعات گوناگون از وصف معشوق، طبیعت، امور انتزاعی، اشیاء، مکانها و... را در بر میگیرد. درصد بیشترین توصیف در قصاید وی به توصیف احوال درونی شاعر، حالات و روحیات خود، خانواده، اطرافیان و معشوق اختصاص یافته است. در توصیف سید علی مؤید

همچنان چشم من از شوق بام و در اوست
که هوای رخ او در سر و دل در بر اوست
که نظام سخن از کلک زبان آور اوست
(۸۸۶/۲)

آن سفر کرده که دیری است دلم بر در اوست
در حضور وی ام ار چند که از وی دورم
آن سخنگوی و سخن سنج و سخن گستر فحل

در توصیف حبیب یغمایی

استاد سخن فحل ادب مرد دها رفت
وز جمع ادب قدوه فضل و فضلا رفت
از ساده دلی آینه‌ای روح نما رفت
(۹۰۲/۲ - ۱۰۳)

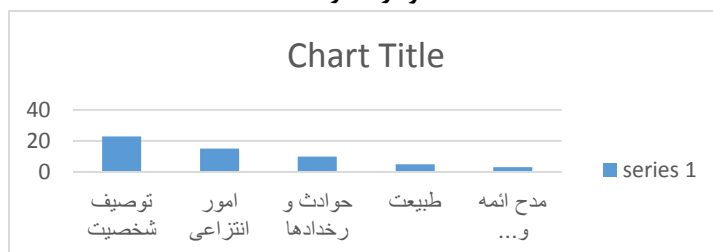
استاد سخن فحل ادب مرد دها بود
از بزم سخن اسوه شعر و شعرا خاست
در ساده دلی آینه‌ای روح نما بود

در توصیف مهدی حمیدی شیرازی

خواندند و جهان بهمین نام برآورد
هر اسم حقیقی ز مسمی خبر آورد
بر مادر ایام که چنین پسر آورد
(۹۱۷/۲)

های ای توحیدی که بدین نامت از افلاک
مدح تو بنام تو نهفته است که از غیب
آباء سخن را بتو فخر است و درود است

نمودار شماره ۱.



- توصیف شخصیتها شامل افراد، همسر، خانواده، فرزندان، آشنایان، استید، همکاران و نزدیکانی که شاعر در وصف آنها سخن گفته است.
- امور انتزاعی شامل اموری چون مرگ، عشق، زندگی، بیماری، امید، ناامیدی و...
- حوادث و رخدادها شامل اشاره بوقایع تاریخی مانند جنگ، زلزله و...

شیوه‌ها و شگردهای دستوری توصیف

شگردهای دستوری را میتوان شامل انواع صفتها، قیدها، مسند صفتی، جمله صله و... دانست که بخشی از قابلیت وصفی بودن جملات را بخود اختصاص میدهند. در این قسمت به بررسی شگردها و شیوه‌های دستوری وصف در قصاید امیری فیروز کوهی میپردازیم.

صفت: اهمیت و جایگاه صفت در فنّ توصیف تا بدان اندازه است که شفيعی کدکنی معتقد است شایسته‌ترین و بهترین وسیله بیان تصویری، آوردن صفت‌های مختلف است (رک صورخیال: ص ۱۶). امیری فیروز کوهی در توصیف امور گوناگون اعم از وصف اشخاص، امور انتزاعی و... از صفت بمیزان قابل توجهی بهره گرفته است. بیشترین کاربرد صفت در قصاید وی در توصیف افراد و اشخاص و در مرتبه بعدی در توصیف امور انتزاعی است. استفاده از یک صفت یا چندین صفت پیاپی از جمله شگردها و شیوه‌های شاعر است:

استفاده از یک صفت: امیری گاه در توصیف امور مختلف از یک صفت برای توصیف مسأله موردنظر بهره گرفته است:

بطلع	آفتاب	نیمروزم	کم هم زر بخشم و هم سر سودا (۸۵۸ / ۲)
ملّت مغلوب را تقلید غالب سنت است	هر که شد مغلوب ناچار از جهان نیش سزاست (۸۶۹ / ۲)		
هر صفت شد منقلب در ما بضدّ خود چنانک	زشت زیبا، پیر برنا رند فاسق پارساست (۸۷۲ / ۲)		

نمونه‌های دیگر:

خسیس جاهل (ص ۸۷۴)، شریف شرمگین (ص ۸۷۳)، فرعون خودبین (ص ۸۷۵)، خاک هنرخیز (ص ۸۸۱)، بقعه رخشنده (ص ۸۸۲)، کوب همایون (ص ۸۸۵)، این شگرد توصیفی که امیری مورد استفاده قرار داده است شاعر را قادر میسازد که تنها با کاربرد یک صفت، وصفی زیبا و شاعرانه از یک امر ذهنی ارائه نماید.

صفت‌های چندگانه (دو یا بیشتر): دسته دیگری از توصیفات بکار رفته در قصاید امیری فیروز کوهی، آن دسته از توصیفهایی است که در آن دو یا چند صفت پدیدۀ وصفی مورد نظر شاعر را عینیت بخشیده است نمونه‌هایی از این قبیل توصیفات:

آن سخن‌گوی و سخن‌سنج و سخن‌گستر فحل	که نظام سخن از کلک زبان‌آور اوست (۸۸۶ / ۲)
-------------------------------------	-----------------------------------------------

در این ابیات چندین صفت در توصیف ممدوح شاهر بکار رفته است.

پاکزاد و پاک بین و پاک فطرت در رسید	نیکخواه و نیکخوی و نیک سیما درگذشت (۸۹۰ / ۲)
-------------------------------------	-------------------------------------------------

در این ابیات نیز اوصاف پاکزاد و پاک بین و... در وصف یکی از دوستان و نزدیکان شاعر شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی بکار رفته است.

کار با جمعی <u>دغلیازان</u> افسونگر فتاد	تا چه بر ما زین <u>دغلیازان</u> افسونگر گذشت
(۸۹۴ / ۲)	
مشتی از نو دولتان <u>سفله</u> را بردست ملک	هم نهیق از باختر هم نعره از خاور گذشت
	(همان)
<u>دانای راز دان</u> و <u>هشیوار فضل</u> بود	دانای رازدان و <u>هشیوار</u> درگذشت
(۸۹۸ / ۲)	
<u>آن ولی آن یگانه</u> ادوار درگذشت	<u>آن مرد خیر و نیکی</u> بسیار درگذشت
	(۸۹۹ / ۲)

نمونه‌های دیگر از این شواهد ادب‌آموز سخن‌سنج (ص ۹۰۲)، اسوه شعر و شعر او قدوة فضل و فضلا (ص ۹۰۲)، نوباوه زیبای خیال (ص ۹۲۵)، سفیر مهر و رسول محبت (ص ۹۳۷)، شیران غرآن و بی امان (ص ۹۳۹)، سرو قد سایه فکن (ص ۹۴۸)، پارسی‌زاده آزاده روشن‌بین (ص ۹۵۲).

صفت در جایگاه مسند: نوعی دیگر از توصیفهایی که امیری فیروزکوهی بکار گرفته است، صفتهایی است که در جایگاه مسند قرار دارد؛ نمونه‌هایی از این قبیل:

هر کودک سفیه وزیری است بی‌نظیر	هر سفله وقیح امیری است بی‌همال
	(۹۷۲ / ۲)

در این بیت عبارت وزیری بی‌نظیر است و امیری بی‌همال است؛ صفتهایی هستند که در جایگاه مسندی قرار گرفته‌اند.

نادان هر گروه چو شهباز یکه‌تاز [است]	دانای هر فریق چو مرغ شکسته‌بال [است]
	(همان)
در ساده‌دلی <u>آینه‌ای روح‌نما</u> بود	از ساده‌دلی <u>آینه‌ای روح‌نما</u> رفت
	(۹۰۳ / ۲)

قیدها: قیدها گاه کارکرد توصیفی دارند و حالت و کیفیت آنچه که در ذهن شاعر است را بخوبی توصیف مینمایند. استفاده از قید یا قیدهای متوالی در توصیف امور گوناگون در قصاید امیری فیروزکوهی بویژه در توصیف اشخاص از جمله مواردی است که قابل توجه است؛ نمونه‌هایی از این قبیل:

باری که چون آن دوست بسر منزل مقصود	میرفت همان به که <u>بتسلیم</u> و <u>رضا</u> رفت
	(۹۰۴ / ۲)
گرچه ما را پای در خواب است و <u>دل در اضطراب</u>	لیک چشم دل بیدار شما بیدار باد
	(۹۱۲ / ۲)
<u>درمانده</u> آنکه راسترو و راستگوی زیست	<u>بیچاره</u> آنکه پاکدل و پاک‌یاب شد
	(۹۲۲ / ۲)
جان از <u>صلای رضوان روی آوریده</u> در مرگ	مرگ از <u>وغای مردان جان داده</u> در مجالش
	(۹۶۱ / ۲)

از روم تا گنگ فرسنگ تا به فرسنگ / آداب علم و فرهنگ سر در خط کمالش
(همان)

کاروان در کاروان کالای فخر از هر کنار / قیروان تا قیروان غوغای فتح از هر کران
(۱۰۰۴/۲)

جمله‌های صله: مسندهایی که نقش صفت دارند و نیز جملاتی که کارکرد توصیفی دارند نیز گونه‌ای دیگر از بکارگیری صفت در توصیف می‌باشد. امیری فیروزکوهی در اشکال دیگر از توصیفات خود از جملات صله‌ای نیز بهره گرفته است مانند نمونه‌هایی که در ادامه خواهد آمد:

یک اخترش ز داوود در جمع اختران بود / غافل که اختر هود خواهد شدن وبالش
(۹۶۲/۲)

شگرد توصیفی شاعر در این مصرع استفاده از جمله صله است که گاه با صفت‌های پیاپی همراه است مانند:

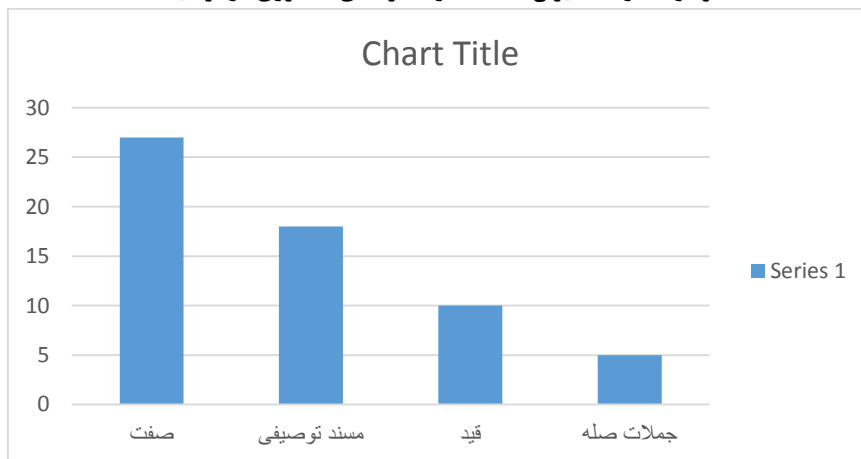
جمعی خبیث ناکس نادان نانجیب / در صدر امر و نهی‌اند از مصدر جلال
(۹۷۲/۲)

مردمی انسان‌نما ابلیس‌خو آدم فریب / این‌چنین مردم گر انسانند حاشا من خرم
(۹۹۱/۲)

در این بیت نیز شاعر بصورت توالی از صفت برای توصیف استفاده کرده است.

آن عمر که شایسته عشق چو منی بود / شد صدف در اندیشه بوک و مگر من
(۱۰۱۳/۲)

نمودار شماره ۲. میزان استفاده از شگردهای دستوری در توصیف



ابزارهای بلاغی امیری فیروزکوهی و کارکردهای توصیفی آنها

از جمله مهمترین ابزارهای بلاغی که در توصیف مورد توجه قرار می‌گیرد عبارتند از تشبیه و انواع آن از جمله اضافه‌های تشبیهی و استعاره و انواع آن مانند تشخیص، اضافه‌های استعاری. این ابزارها جنبه بیانی و شاعرانه دارند

و نقش اساسی در توصیف ایفا میکنند. تصویر میتواند بصورت توصیف استعاری، تشبیهی و... ظاهر شود؛ از سویی در دل توصیف نیز میتواند صورخیالی چون تشبیه و استعاره قرار گیرد. در حقیقت شاعر این توانایی را دارد که مجموعه‌ای از توصیفات خود در خصوص شی، پدیده، شخص یا هر چیز دیگری را در قالب صورتهای خیال‌انگیز بیان نماید. اهمیت توصیف تا حدی است که برخی از نظریه‌پردازان، آن را از صورخیالی چون استعاره و تشبیه برتر دانسته‌اند. عبدالرحمن بدوی میگوید: «بهترین و شایسته‌ترین وسایل بیان تصویری، آوردن اوصاف است و حتی مجازها و انواع تشبیه را بلاغت شرقی دانسته‌اند» (رک شفیع کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۸). از این رو میتوان گفت وصف جزء جدایی‌ناپذیر تصویر است در رابطه میان وصف و تصویر میتوان گفت حوزه وصف بسیار وسیعتر از تصویر است و اگر وصف نباشد، تا جهان ذهنی شاعر را هنرمند را توسع بخشد، تصویری نیز پدید نمی‌آید و بیراه نیست اگر بگوییم حوزه توصیف با تخیل شاعرانه پیوند تنگاتنگ خورده است. بررسی و تحلیل دقیق توصیفات در شعر علاوه بر اینکه میتواند وسعت دامنه خیال شاعر را روشن نماید و انگیزه‌های درونی وی را از توصیف آشکار نماید، معیاری است برای تعیین و ارزشگذاری میزان نوآوری شاعر در عرصه خیال چرا که شاعر در محور عمودی شعر خود با بهره‌گیری از توصیف است که میتواند بمیزان بیشتری بر عمق عاطفه شعر بیفزاید.

تشبیه: «تشبیه در اصطلاح عبارت است از برقراری مشابهت بین دو یا چند چیز به قصد اشتراک آنها در یک یا چند صفت. علمای بلاغت معتقدند تشبیه باعث ممثل کردن چیزی است که خود غایب است و بصورت عادی نمودی ندارد و یا این که چیزی را از آنچه هست در وصفی خاص عظیمتر بنمایاند» (شفیعی کدکنی، ص ۷۲). این نوع بیان در توصیفات قصاید امیری فیروزکوهی وجود دارد. «توصیف یکی از شگردهای بیان است که در قلمرو آن زبان از نظر بیانی ظرفیتی چشمگیر دارد» (محمدی، ۱۳۸۰: ص ۱۲۱). البته ناگفته نماند که شاید بتوان گفت شعر روزگاری وصفی بوده و سپس صورخیال در آن به اوج رسیده است اما همواره شکل توصیفی خود را حفظ کرده است. تشبیه را میتوان اساس وصف برای اشعار کلاسیک دانست چرا که بقول نیما «تشبیه کردن قوه دادن به اندیشه‌هایی است که گوینده شعر دارد» (یوشیج، ۱۳۶۸: ص ۵۸۹). علمای بلاغت هم برای تشبیه بعنوان ابزاری در جهت تقویت توصیف در کلام قابل بودند و در خصوص علل و اهمیت آن بسیار سخن گفته‌اند؛ دلیل این امر هم آن است که تشبیه سبب مجسم کردن و نیز ممثل ساختن چیزی میشود که حضور ندارد و از طرفی دیگر تشبیه بکمک ساختار توصیفی پنهانی و ضمنی که دارد، امری را زیباتر، بزرگتر یا به هر ترتیب متفاوتتر از آنچه که هست نشان میدهد. مهمترین بحث در تشبیه جنبه تصویری و خیال‌انگیز بودن آن است و این درست همان نقطه‌ای است که میتوان گفت از رهگذر آن جنبه توصیفی در تشبیه تقویت میشود. علمای علم بلاغت برای تشبیه اهمیت بسیاری قائل بودند و در خصوص علت و اهمیت تأثیر آن مطالب بسیاری گفته‌اند. بنظر میرسد از آنجا که تشبیه سبب ممثل ساختن و مجسم چیزی که غایب است و حضور ندارد، سبب وصف در مجال کوتاه میشود از این رو تشبیه را میتوان اساس وصف بویژه در شعر کلاسیک دانست.

تشبیه مرسل: در تشبیه مرسل، شاعر ادات تشبیه را ذکر میکند. بنظر میرسد با استفاده از این روش شاعر سعی در توصیف هر چه بهتر و بیشتر امور، پدیده‌ها، اشخاص و... دارد:

همچون شبان بازار با هم بجنگ و پیکار در خون هم فشرده چنگال طعمه در را

(۸۵۵ / ۲)

شگرد وصفی که امیری در اینجا بکار برده است استفاده از وجه شبهه توصیفی جنگ و پیکار نمودن و در خون هم چنگال فشردن است.

نمونه‌های دیگر از این نوع توصیفات بلاغی:

در کار هنر همچو قلم بسته میان است
(۸۸۱/۲)

هر طفل که برخیزد از آن خاک هنرخیز

این دست در گریبان با آن بتاب شد
(۹۲۲/۲)

آن چون هژبر غُزمان با این بجنگ خاست

چون آفتاب از سر دیوار درگذشت
(۹۰۰/۲)

آن کس که بود سایه‌فکن نورخیز از او

تشبیه بلیغ: در تشبیه بلیغ وجه‌شبه و ادات تشبیه حذف میشوند. این نوع تشبیه، به شب در قصاید امیری فیروزکوهی از بسامد بیشتری برخوردار است. امیری سعی نموده با بهره‌گیری از توصیفات مختلف بکمک تشبیه بلیغ، ضمن رعایت جنبه‌های توصیفی متن و ساختار زیبایی‌شناسانه آن را نیز مدّ نظر قرار دهد؛ نمونه‌هایی از این نوع توصیفات بلاغی:

مال موهب و ملک مرهون است
(۸۸۴/۲)

قاف تا قاف کشور سخنم

انیت آن چشمه که خضر نبی اسکندر اوست
(۸۸۹/۲)

چشمه اشک روان از اثر رقت و حال

که پردازم از بحر و از بر گذشت
(۸۹۲/۲)

هم از مرغ روحم سبک‌خیزتر

شاخ پر بار نخل عترت رفت
(۹۰۵/۲)

شاخ پر بار نخل عترت بود

نمونه‌های دیگر: تشبیه جهان به دیولاخی دشمن‌خوی (ص ۹۰۶)، مطبخ فلک (ص ۹۲۰)، خارستان دنیا (ص ۹۳۰)، تشبیه ممدوح به کوه دانش و طور معرفت (ص ۹۳۲)، نامه هستی (ص ۹۳۷)، خلق دیو سیر کند (ص ۹۳۸)، تنور شکم (ص ۹۳۹)

تشبیه مفصل: در این نوع تشبیه، شاعر وجه‌شبه را ذکر مینماید:

چیزی بغیر جارحه‌ای ز اشقیا نبیند
(۹۴۶/۲)

با آن همه جوارح سنگین چو پیل مست

حزن پدر از بیت حزن باز رسانید
(۹۴۸/۲)

او را که پدر دیده به در ماند چو یعقوب

مرهم بزخم خویش نهم با زبان خویش
(۹۶۶/۲)

چو صید زخم خورده در این کهنه صیدگاه

دم لابه‌ها کنی که کنی پاسبانیش
(۹۶۷/۲)

چون سگ به پاسبانی مشت استخوان چند

همرهان رفتند و من تنها بصحرا مانده‌ام
(۹۷۵/۲)

هر دم از سرگشتگی چون گرد میپیچم بخویش

در مثالهای یاد شده چنانکه مشاهده میشود توصیف شاعرانه امیری فیروزکوهی بکمک تشبیه مفصل صورت گرفته است.

تشبیه به اعتبار معقول یا محسوس بودن طرفین

تشبیه محسوس به محسوس: این نوع از تشبیه در قصاید امیری فیروزکوهی بسامد بالاتری دارد و همین مسأله نشان دهنده وصفی بودن قصاید وی است؛ بنظر میرسد شاعر از این شگرد برای ملموس ساختن حوادث، رخدادها، افراد، حالات روحی خویش و سایر پدیده‌های توصیفی بخوبی بهره گرفته است:

روز روشن چون شب تاریک شد در چشم من تاجدا زان بامداد عالم آرا مانده‌ام
(۹۷۵ / ۲)

چون یتیم از بی‌پناهی زار میگیریم امیر طفل نادانم جدا ز پیر دانا مانده‌ام
(۹۷۶ / ۲)

بونواس عجم و دعبل عصم لابل که من اندیشه خود برتر از ایشان یابم
(۹۸۵ / ۲)

از دو رخ ماه و از زبان طوطی است ماه طوطی زبان فرستادم
(۹۸۷ / ۲)

چون هیمه افروخته با شیونم آموخته خیزد چو شمع سوخته آه از دلم دود از سرم
(۹۸۸ / ۲)

در زردی آفتاب عمر اکنون رخساره برنگ زعفران سازم
(۹۵۵ / ۲)

کیستم حوری اوفتاده بخاک که کم از ههدد سلیمانم
(۹۹۷ / ۲)

تشبیه معقول به محسوس: در این نوع تشبیه، امر محسوس به پدیده‌ای عقلی و انتزاعی تشبیه میشود. در قصاید امیری فیروزکوهی بسامد بهره‌گیری از این نوع تشبیهات چندان زیاد نیست. بنظر میرسد شاعر جنبه وصفی بودن قصاید خود را با برگزیدن تصاویر عینی و محسوس نسبت به معقول، تقویت کرده است؛ نمونه‌هایی از این نوع تشبیهات:

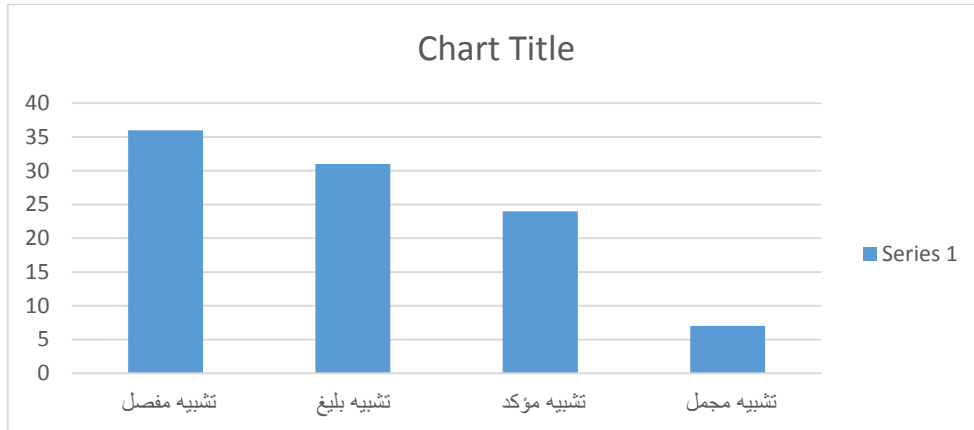
ور چو عنقا غربتی خواهم گزید بانگ عزلت همچو عنقا میزنم
(۱۰۰۰ / ۲)

نمونه‌های دیگر مانند تشبیه علم به گنج (ص ۹۹۳)، فراق به آتش (ص ۹۹۷)، دین به نور (ص ۹۰۹)، هجران تیر (ص ۹۴۴) نیز تشبیه محسوس به معقول:

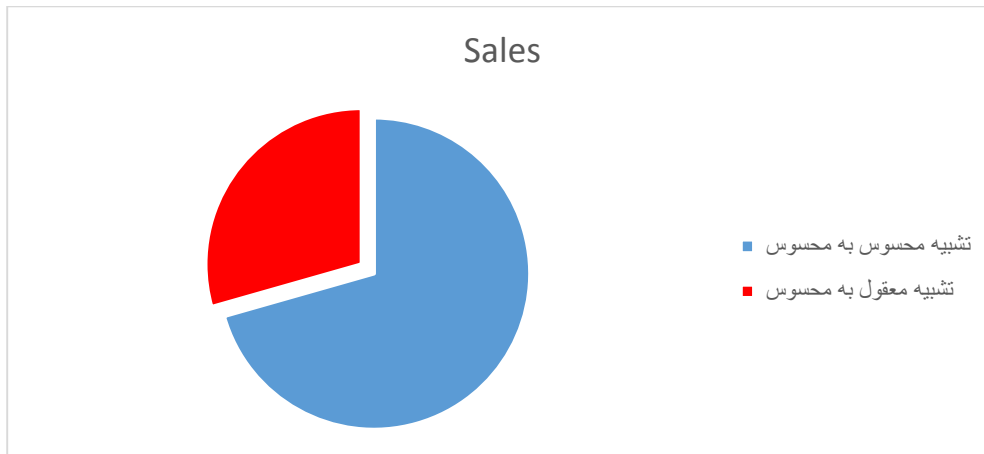
گوش را سیماب غفلت مینهم چشم را راه تماشا میزنم
(۱۰۰۰ / ۲)

نمونه‌های دیگر مانند تشبیه فتنه به دجال (ص ۹۲۱)، شهر ری به جحیم (ص ۹۳۵)، جسم و تن به آتش جهنم (ص ۹۵۳).

نمودار شماره ۳. میزان استفاده از شگردهای بلاغی تشبیه در توصیف



نمودار شماره ۴. میزان استفاده از تشبیهات معقول و محسوس در توصیف



استعاره: «ابن خلدون شعر و کلامی مبتنی بر استعاره و وصف میداند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ص ۱۱۲). در استعاره تشابه هم درونی است و هم ظاهری و درست بهمین دلیل تصویر هم مبهم است و هم شفاف؛ این روشنی مانند لبخندی رازآلود است که هم پیداست و هم ناپیدا (ر.ک براهنی، ۱۳۷۳: ص ۱۱۵). شاعر بکمک استعاره و با عینی ساختن حقایق ذهنی میتواند عواطف خود را به بهترین حالت نشان دهد. کاربرد تکنیک استعاره بعنوان عاملی در جهت تقویت توصیف، موجب ذهنی شدن و شاعرانه شدن آن میشود. جایگاه استعاره در میان صور بلاغی و خیال‌انگیز تا بدان حد است که ابن خلدون، شعر را کلامی مبتنی بر اوصاف و استعاره میداند (ر.ک شفییعی کدکنی، صورخیال، ص ۱۱۲). شاعر از طریق این فن میتواند افکار خود را جلوه‌ای عینی ببخشد. «استعاره با عینی کردن ذهنیات، بهترین وسیله نشان دادن است» (براهنی، ۱۳۷۳: ص ۱۱۹). هر چه میزان استفاده هنرمندانه شاعر از استعاره بعنوان ابزاری توصیف‌ساز بیشتر باشد، شعر تجسمی‌تر و تصویری‌تر میگردد. امیری فیروزکوهی در توصیف امور مختلفی چون طبیعت، دوستان، آشنایان، شرح احوالات روحی خویش، دردهای جسمانی و... از این

شگرد بهره برده است:

هر کران فرعون خودبین خفته با کبر و غرور
هر زمان موسای به دین زنده در نشو و نماست
(۸۷۵ / ۲)

در توصیف شهر اصفهان:

خلد است بدان نصفه که آن نصفه عیان نیست
ماه است بدین نیمه که این نیمه عیان است
(۸۷۶ / ۲)

زیبایی این بیت در استعاره‌های توصیفی است که شاعر در وصف شهر اصفهان بکار برده است و از شگردهای وصفی امیری فیروزکوهی بحساب می‌آید؛ یا در توصیف دوستان و همراهان خویش:

آنکه از خشکی ابنای زمان است به رنج
گرچه تردامنی عشق ز شعر تر اوست
نثر، گسترده‌ای از ذوق ادب‌گستر وی
نظم، پرورده‌ای از طبع سخن‌پرور او
آنکه در دعوی فرعونی و مستی میگفت
عقل اگر هست همین است که فرمانبر اوست
(۸۸۷ / ۲ - ۸۸۸)

در تمامی این ابیات استعاره موجود ممدوح شاعر است که با توصیفات پیاپی وی را مورد خطاب قرار داده است:
سراپای چشمم ولی فارغم
کز این بحر بر من چه منکر گذشت
(۸۹۲ / ۲)

در این بیت بحر، استعاره مصرحه از روزگار است.

هر طرف بانگ علا لا زین سگان تیزچنگ
درشکار طعمه‌ای از مسکن و معبر گذشت
(۸۹۴ / ۲)

سگان تیزچنگ در این بیت استعاره از حاکمان وقت است.

مهدعلیای مهر و شفقت بود
مهدعلیای مهر و شفقت رفت
(۹۰۵ / ۲)

مهد علیای مهر و شفقت، استعاره از خویشان و بستگان شاعر میباشد.

تشخیص: امیری فیروزکوهی گاه در توصیف عناصر طبیعت، حالات و روحیات و عواطف خویش از توصیف بهره گرفته است؛ نیز در توصیف امور انتزاعی مانند زندگی، مرگ، عشق، بیماری و... بهره گرفته است.

آباء سخن را بتو فخر است و درود است
بر مادر ایام که چونین پسر آورد
(۹۱۷ / ۲)

فخر نمودن برای آباء سخن در این بیت صنعت تشخیص دارد.

تا بود حق به پنجه باطل اسیر بود
رو سر بنه که حکم قضا ناصواب شد
(۹۲۳ / ۲)

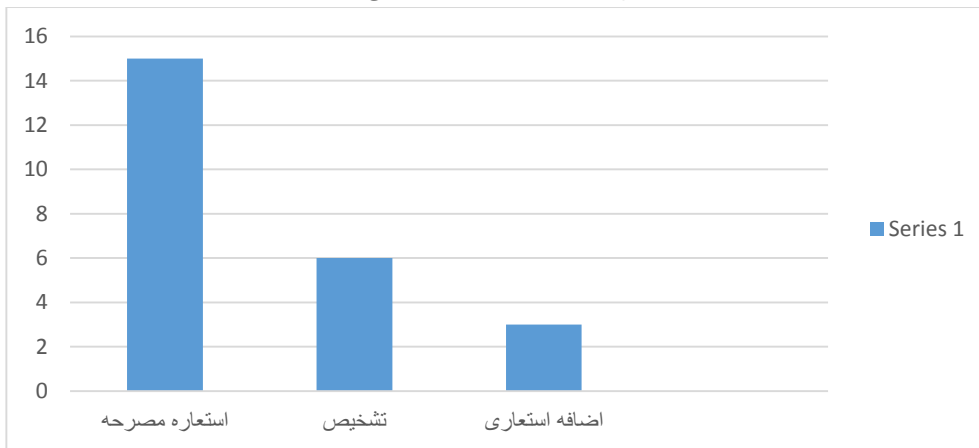
لب و دندان است آن کنگره‌ها و آن لب قصر
ز آن لب دندان دردا و دریغا شنوید
(۹۵۳ / ۲)

در موارد یاد شده، شاعر با استفاده از تشخیص، توصیفی شاعرانه و خیال‌انگیز از امور و پدیده‌های مختلف ارائه داده است. با توجه به بررسی‌های بعمل آمده، امیری فیروزکوهی از صنعت تشخیص در مقایسه با استعاره مصرحه کمتر

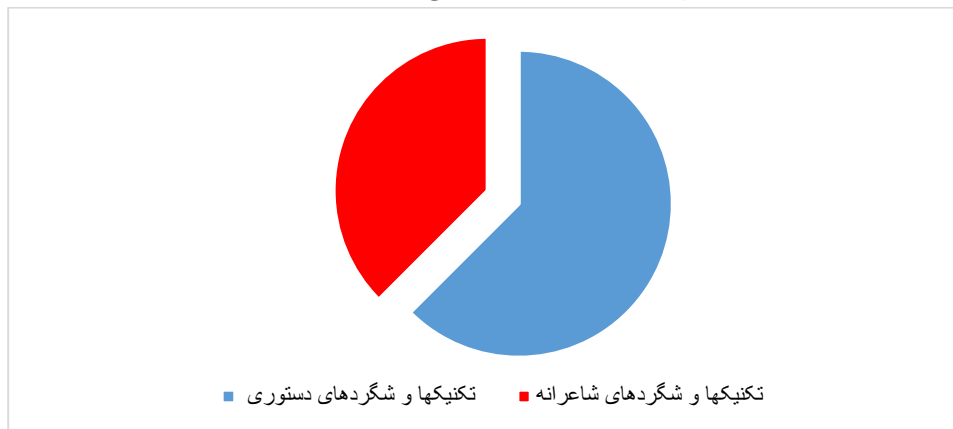
بهره‌گرفته است. شاعر بیشتر سعی دارد اوصاف و ویژگی‌های مدنظر خویش را بکمک استعاره مصرحه مورد توجه قرار دهد تا تشخیص و استعاره مکنیه. گاه شاعر برای توصیف پدیده‌ای از اضافه استعاری نیز بهره می‌گیرد که البته بسامد چندانی ندارد:

هر جا که دست حکم ز اوباش حاکم است
 احرار راست حرمان اشرار را وصال
 (۲ / ۹۷۳)

نمودار شماره ۵. میزان استفاده از شگردهای بلاغی استعاره در توصیف



میزان استفاده از شگردهای بلاغی و دستوری در توصیف



نتیجه‌گیری

یکی از شگردهای مورد استفاده در آفرینش هنری یک اثر از جمله شعر، توصیف است. شاعر برای انتقال ادراک حسی خود و بتصویر کشیدن آن با بهره‌گیری از عنصر توصیف میکوشد به هنری‌ترین شیوه ممکن عواطف و احساسات خویش را عینیت ببخشد. در قصاید امیری فیروزکوهی که بسبب قدما و شیوه شاعران دوره بازگشت ادبی سروده شده است امور مختلف و انتزاعی از جمله مرگ، زندگی، یاد یاران، دوستان، آشنایان، شکوایه‌های شاعر از اوضاع جسمی، روزگار، گلایه از نامرادیهای زمانه، اوضاع حاکم، رخدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی و... توصیف شده است. امیری فیروزکوهی از شگردهای مختلف دستوری و شاعرانه در توصیف این امور بهره گرفته است. درصد استفاده از شگردهای شاعرانه از جمله تشبیه و انواع آن بیشتر از استعاره و تکنیکها و شگردهای دستوری است. بنظر میرسد شاعر در کاربرد انواع تشبیه از جمله تشبیه محسوس به محسوس، تشبیه بلیغ و مجمل و مؤکد نسبت به استعاره و شگردهای دستوری سعی داشته است تا با توصیف جزئیات و ملموس و عینی ساختن پدیده‌ها به توصیف فضا، پدیده‌ها، امور و رخدادهای گوناگون بپردازد. از میان سایر انواع توصیف، توصیف افراد، دوستان، شخصیت‌های ادبی و هنری در قصاید وی بیشتر از وصف طبیعت است.

یادداشت

کریم امیری فیروزکوهی (۱۲۸۸ - ۱۳۶۳ ه. ش) از شاعران معاصر است که در انواع قالب‌های شعری طبع‌آزمایی نموده است. غزلیات او سبک هندی نزدیک است قصیده را بشیوه شاعران سبک بازگشت به سیاق سبک خراسانی میسرود. امیری به زبان عربی تسلط کامل داشت و اشعاری به زبان عربی نیز از وی بر جای مانده است. مضامینی چون یأس، اندوه، غم، تقدیرگرایی و جبرگرایی که مولود بیماری و پیری زودهنگام وی بود در دیوان او بسیار بچشم میخورد. در میان قدما، بشیوه صائب بسیار توجه نموده است. و از این رو رد پای نازک خیالیهای صائب را میتوان در جای جای غزلیات او بوضوح مشاهده نمود (ر.ک یا حقی، ۱۳۷۸: ص ۱۲). سبک قصاید وی تا حدود زیادی بشاعران عصر سلجوقی نزدیک است بدین معنا که شاعر بسبب قصاید قرن چهارم و پنجم هنگام وصف یک پدیده چون بهار، امور گوناگون و پدیده‌های طبیعی دیگر مانند پرندگان، گلها، گیاهان، ابر، باران و... را نیز توصیف میکند، این در حالی است که در قصاید توصیفی سبک آذربایجانی از قرن ششم به بعد شاعر در توصیف یکی از این پدیده‌ها تصاویر گوناگون (ازدحام تصویر) را مدنظر قرار میدهد اما در شعر امیری فیروزکوهی با وجود آنکه بخش زیادی از قصاید، بدون تشبیب و تغزل شروع میشوند، اما وصف‌های گوناگون در محور عمودی قصیده در خصوص پدیده‌های مرتبط با یک امر، قابل مشاهده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر استخراج شده است. آقای دکتر حسین حاجی‌زاده راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر ژیلای صراطی بعنوان مشاور و دانشجو سرکار خانم فرزانه شاهرودی پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولین پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد شبستر اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahmadi Shikhler. Ahmad (2019). Description and its types based on the theory of description based on Naftha al-Masdoor Shahabuddin Mohammad Zaydari Nesavi. Literary criticism and theory. fifth year Vol. 10. pp. 33-5.
- Sales, akhanan (1369). The heresies and innovations of Nima Yoshij. Tehran: Bozormehr, p. 87.
- Amiri Firouzkoobi. Karim (1369). Diwan Try it, Amirbanu Karimi. The second volume. Tehran: Sokhn.
- Babai. Parvez (2012). Philosophical schools. Tehran: Negah, p. 707.
- Barahni. Reza (1373). gold in copper 3 volumes. Tehran: Author, pp. 115-119.
- Basirzadeh. Elham et al. (2011). Examining its description and prominent functions in the novel. literature study Number 19. pp. 77-103.
- Bornovf. Rolan (1378). The world of the novel. Translation: Nazila Khalkhali. Tehran: pp. 145-146.
- Rezvanian. Qudsiyeh and Ahmadi Shikhler. Ahmad (2016). Description in the story of Rostam and Sohrab. Persian Language and Literature Research Quarterly. No. 44. pp. 1-36.
- Shafi'i Kadkani. Mohammad Reza (1375). Sorkhayal in Persian poetry. Tehran: Negah, pp. 14-16 - 112-18-72.
- (1380). Periods of Persian poetry. Tehran: Sokhn, p. 150.
- Shamisa. Cyrus (1370). Expression. Tehran: Ferdous, p. 18.
- Fotohi roodmojeni. Mahmoud (1384). Classic image. Art Quarterly. No. 64, pp. 21-30.
- (1386). Image rhetoric. Tehran: Sokhon, pp. 69-70-71.
- (2013). Stylistics; Theories, approaches and methods, Tehran: Sokhn, p. 32.
- Lajevardizadeh.shabnam, hesaraki, Mohammad Reza (2016). Rhetorical and grammatical tools of description in Saadi Shirazi's sonnets. The scientific-

- specialized quarterly of lyrical language and literature studies. seventh year No. 24. pp. 25-36.
- Mohammadi. Abbas (1380). Secrets of creating a literary masterpiece. Mashhad: Press of Ferdowsi University of Mashhad, p. 121.
- Mirsadeghi. Jamal (1387). Story writing guide. Tehran: Sokhn, p. 282.
- Harland. Richard (1388). A historical introduction to literary theory from Plato to Barthes. Group of translators. Third edition. Tehran: Cheshmeh, p. 98.
- Yahaghi. Mohammad Jaafar (1378). Stream of Moments: Contemporary Persian Literature (Rhyme and Prose). Tehran: Jami, p. 12.
- Yoshij. Nima (1368). letters. Try it Sirus Tahbaz. Tehran: Journals, p. 589.20

فهرست منابع فارسی

- احمدی شیخ‌لر. احمد (۱۳۹۹). توصیف و انواع آن بر پایه نظریه توصیف‌شناسی با تکیه بر نفثه‌المصدور شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی. نقد و نظریه ادبی. سال پنجم. ش ۱۰. صص ۵ - ۳۳.
- اخوان ثالث. مهدی (۱۳۶۹). بدعتها و بدایع نیما یوشیج. تهران: بزرگمهر، ص ۸۷.
- امیری فیروزکوهی. کریم (۱۳۶۹). دیوان. بکوشش امیربانو کریمی. جلد دوم. تهران: سخن.
- بابایی. پرویز (۱۳۹۲). مکتبهای فلسفی. تهران: نگاه، ص ۷۰۷.
- براهنی. رضا (۱۳۷۳). طلا در مس. ۳ جلد. تهران: نویسنده، صص ۱۱۵-۱۱۹.
- بصیرزاده. الهام و همکاران (۱۳۹۱). بررسی توصیف و کارکردهای برجسته آن در رمان. ادب پژوهی. شماره ۱۹. صص ۷۷ - ۱۰۳.
- بورنوف. رولان (۱۳۷۸). جهان رمان. ترجمه: نازیلا خلخالی. تهران: صص ۱۴۵ - ۱۴۶.
- رضوانیان. قدسیه و احمدی شیخ‌لر. احمد (۱۳۹۶). توصیف در داستان رستم و سهراب. فصلنامه پژوهش زبان و ادب فارسی. ش ۴۴. صص ۱ - ۳۶.
- شفیعی کدکنی. محمدرضا (۱۳۷۵). صورخیال در شعر فارسی. تهران: نگاه، صص ۱۶-۱۴ - ۱۸-۱۱۲-۷۲.
- (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی. تهران: سخن، ص ۱۵۰.
- شمیسا. سیروس (۱۳۷۰). بیان. تهران: فردوس، ص ۱۸.
- فتوحی رود معجنی. محمود (۱۳۸۴). تصویر کلاسیک. فصلنامه هنر. شماره ۶۴، صص ۲۱ - ۳۰.
- (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. تهران: سخن، صص ۶۹ - ۷۰ - ۷۱.
- (۱۳۹۲). سبکشناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن، ص ۳۲.
- لاجوری‌زاده. شبنم و حصارکی. محمدرضا (۱۳۹۶). ابزارهای بلاغی و دستوری توصیف در غزلهای سعدی شیرازی. فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی. سال هفتم. ش ۲۴. صص ۲۵ - ۳۶.
- محمدی. عباس (۱۳۸۰). رازهای خلق یک شاهکار ادبی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۲۱.
- میرصادقی. جمال (۱۳۸۷). راهنمای داستان‌نویسی. تهران: سخن، ص ۲۸۲.
- هارلند. ریچارد (۱۳۸۸). درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت. گروه مترجمان. چاپ سوم. تهران: چشمه، ص ۹۸.
- یاحقی. محمدجعفر (۱۳۷۸). جویبار لحظه‌ها: ادبیات معاصر فارسی (نظم و نثر). تهران: جامی، ص ۱۲.

یوشیج، نیما (۱۳۶۸). نامه‌ها. بکوشش سیروس طاهباز. تهران: دفترهای زمانه، ص ۵۸۹.

منابع لاتین:

1. Haman, Philippe (1981). *Introductionnal analyse du descriptif*. Paris. Hache tte: p 25.

معرفی نویسندگان

فرزانه شاهرودی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

(Email: shahroodifarzaneh@gmail.com)

حسین حاجی‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

(Email: hajizade@iaushab.ac.ir: نویسنده مسئول)

ژیلا صراطی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

(Email: Zh.serati@iaushab.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

فرزانه شاهرودی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

(Email: shahroodifarzaneh@gmail.com)

حسین حاجی‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

(Email: hajizade@iaushab.ac.ir: Responsible author)

ژیلا صراطی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

(Email: Zh.serati@iaushab.ac.ir)